

تأثیر مهارت گفتگو در روابط همسر داری در معارف اسلامی

سارا کمیجانی^۱

چکیده

اسلام بیش از هر دینی به گفتگو به عنوان عامل اصلی در آگاه سازی، ایجاد الفت و استحکام خانواده، پافشاری کرده است. مهارت گفتگو از مهمترین مهارت‌های ارتباطی است که علقه و صمیمیت را بین زوجین ایجاد و تداوم می‌بخشد. این مهارت، آداب و شرایط خاصی دارد که موجب نزدیکی قلوب و تفاهم زوجین می‌گردد. بنابراین به جهت بهره‌وری از آموزه‌های دینی برای به دست آوردن قواعد و اصول گفتگو نیاز به تتبع و پژوهش در این زمینه در آیات مبین قرآن کریم و روایات معصومین علیهم السلام است برای آگاهی از اینکه برای یک گفتگوی اثربخش رعایت چه شاخص‌هایی اهمیت دارد؟ اسلام چه سبکی را به عنوان گفتگوی سازنده به زوجین تجویز می‌کند؟

زمانی گفتگوی بین زوجین، سازنده و مثمر ثمر خواهد بود که آداب و شرایط موثر در سازندگی این مهارت، رعایت شود مانند استفاده از الفاظ دلنشین، احترام متقابل بین زوجین و دوری از تندی و خشونت. و گاهی این گفتگو مخرب و در نتیجه ویرانگر ارتباط بین زوجین می‌گردد مانند عدم رعایت اصول انتقاد سازنده، بنابراین راه‌کارهایی برای تقویت و افزایش مهارت گفتگوی سالم وجود دارد که برخی به جنبه‌ی ایمانی و معنوی طرفین برمی‌گردد و بعضی به جنبه‌ی مهارت تکلم و سخن گفتن زوجین مربوط می‌گردد. از مهمترین راهکارها، ایمان به خدای متعال است که صفت سپاسگزاری، عفو و گذشت، مدارای بین زن و شوهر را به همراه خواهد داشت.

کلید واژگان: مهارت، گفتگو، همسر داری، گزاره دینی، گفتگوی سازنده،

گفتگوی مخرب

طرح مسأله

نهاد خانواده، یک نهاد اساسی و محوری در جامعه است که به عنوان هسته اولیه برای سایر نهادهای اجتماعی به شمار می‌رود و در اسلام هیچ بنایی محبوبتر از آن پایه ریزی نشده است. از عوامل مهم در استحکام خانواده، ایجاد ارتباطی موثر، مستمر و آگاهانه بین زوجین است، چرا که آمارها نشان می‌دهد با پیشرفت جوامع و صنعتی شدن آن و همچنین ناآگاهی زوجین از ایجاد مهارت‌های ارتباطی موثر، منجر به بروز مشکلات و اختلافات زن و شوهر گردیده که به سستی و بعضاً فروپاشی خانواده می‌انجامد.

مهارت ارتباطی یعنی توانایی برقراری ارتباط به طور موثر و کارآمد با دیگران. ایجاد روابط سالم مبتنی بر سازگاری و تفاهم بین اعضای خانواده است به ویژه زمانی که به سبب وجود توانایی برقراری ارتباط موثر، فرد قادر خواهد بود با تجهیز به این مهارت با چالش‌ها و مشکلات روبرو شده و راهی مناسب در جهت بهبود اوضاع بدست آورد. مهارت گفتگو از مهمترین مهارت-های ارتباطی است که علاوه بر تفهیم مقاصد بین زن و شوهر به ایجاد و تبادل علقه و صمیمیت تداوم می‌بخشد و فرد با بهره‌گیری از این مهارت، علاوه بر رسیدن به آرامش و تعادل در زندگی فردی و اجتماعی موفق به ایفای نقش موثر خود در زندگی مشترک خواهد بود.

این پژوهش در صد آنتست که در حوزه آیات، روایات و احکام به بررسی نقش مهارت گفتگو در روابط زوجین بپردازد. عمل به گزاره‌های دینی در سه حوزه مذکور می‌تواند مهارت لازم جهت برقراری ارتباط موثر را در هر یک از زوجین ایجاد کند و سبک مناسبی را در چگونگی ارتباط از طریق کلام ارائه نماید. پاسخی به این قبیل سوالات که اسلام چه سبکی را به عنوان گفتگوی سازنده به زوجین تجویز می‌کند؟ آداب سخن گفتنی که در آیات و روایات به آن اشاره شده، چیست؟ چرا گاهی در محاوره و گفتگوهای مان با دیگران دچار مشکل می‌شویم؟ آفات و آسیب‌های گفتگو چیست؟

باتوجه به غنی بودن منابع اسلامی در زمینه‌های فردی و اجتماعی و مهارت‌های مورد نیاز ارتباطی، نویسندگانی به تحقیق و تدوین مهارت گفتگو



در متون دینی اسلام یعنی قرآن و روایات ائمه علیهم السلام پرداخته اند. آنچه که موجب امتیاز و انحصار پژوهش حاضر است تلفیق دقیق گزاره های دینی با استفاده از آیات قرآن کریم و روایات ائمه علیهم السلام در خصوص سبک و روش گفتگو با روابط همسررداری است.

به عبارتی این پژوهش با بهره وری از روشهای گفتگو در قرآن کریم و روایات برای دستیابی به اصول و قواعد ارتباط کلامی موثر، تلاش خواهد کرد تا به بهترین ویژگیهای گفتگوی سازنده بپردازد. موانع اصلی که موجب تخریب گفتگوی سالم بین زوجین می شود را بیان دارد و راهکارهای مناسب برای ایجاد این مهارت کلامی به شکل سازنده را ارائه نماید.

۱- گفتگوی سازنده

مهارت ارتباطی یعنی توانایی برقراری ارتباط به طور موثر و کارآمد با دیگران که ایجاد روابط سالم مبتنی بر سازگاری و تفاهم بین اعضای خانواده به ویژه زوجین است. مهارت گفتگو از مهمترین مهارتهای ارتباطی کلامی زوجین است که نقش بسزایی در آگاه سازی، ایجاد الفت، استحکام خانواده و مناسب برای برقراری ارتباط بین اعضای خانواده است. (فتوحی، ۱۳۸۴، ص ۵۰)

باید توجه داشت که زمانی گفتگوی بین زوجین، سازنده و مثمر ثمر خواهد بود که آداب و شرایط موثر در سازندگی این مهارت، رعایت شود. بنابر این آگاهی از شیوه کسب این مهارتها امری ضروری است. دین اسلام نیز با توجه به این امر مهم و تاثیر آن در افزایش صمیمیت و تداوم علاقه بین زوجین، بیش از هر دینی به بیان مهارتهای گفتگوی سازنده بین زن و شوهر پرداخته است. در این فصل باتوجه به غنی بودن گزاره های اسلامی در زمینه های فردی و اجتماعی و مهارتهای مورد نیاز ارتباطی، به آداب مربوط به خوب سخن گفتن در بین زوجین پرداخته شده است.

۱-۱ بکارگیری واژگان مناسب و دلنشین



یکی از مهمترین ویژگی گفتگوی اثربخش، استفاده از الفاظ زیبا، مناسب و سرشار از عشق و محبت بین زوجین است. چرا که محبت، دوستی و مهربانی، شاه کلید نفوذ در دلهاست که درهای بسته و چهره های گرفته با این ابزار، گشوده و باز می شوند. در فرهنگ دوستی و محبت، همه چیز با معنی و پیام دار است؛ گاه با یک اشاره، با یک کلمه و یا یک جمله می توان شرایط حاکم بر خانواده را تغییر داده و به آسانی در دل های دیگران راه یافت. (قراچه داغی، ۱۳۸۱، صص ۸۷-۹۱) خداوند به اصل وجود عشق و احساس محبت متقابل بین زن و شوهر اشاره فرموده: «از نشانه های خداوند این است که از نوع خودتان، همسرانی برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و میانتان دوستی و رحمت نهاد» (روم، ۲۱) و با یکدیگر به حسن و زیبایی سخن بگویید (بقره، ۸۳).



زن و شوهر در هنگام سخن گفتن با یکدیگر اولاً: باید از دادن القاب زشت در هنگام نامیدن یکدیگر بپرهیزند «لَا تَنَابَزُوا بِالْألقَابِ بِئْسَ الْأسمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإیمانِ» (حجرات، ۱۱) و ثانیاً به الفاظی نیکوتر و شایسته تر از آنچه مورد خطاب قرار می گیرند، همدیگر را خطاب قرار دهند «وَ إِذَا حُیِّیْتُمْ بِتَحیَّیةٍ فَحیُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوها إِنَّ اللَّهَ کانَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ حَسِیباً» (نساء، ۸۶) قابل ذکر است که این آیه شریفه تنها در خصوص سلام نیست، بلکه از باب ذکر نمونه به سلام بسنده می شود در حالیکه هر تحیت و خوش آمدگویی را شامل می شود.

رسول گرامی اسلام، دوستی و محبت به همسر را از حقوق مرد بر زن می داند: «للرجل علی المرأة ان تلزم بیته وتودده وتحبه وتشفقه وتجتنب سخطه وتتبع مرضاته و توفی بعهده ووعده» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۲۴۴) حق مرد بر زن این است که [زن] ملازم خانه او باشد، و به شوهرش دوستی و محبت و دلسوزی کند، و از خشم وی دوری گزیند، و آنچه را مورد رضایت اوست انجام دهد، و به پیمان و وعده وی وفادار باشد. چه بسا در جای دیگر اشاره به این مطلب دارند که از مصادیق بارز محبت و عشق ورزیدن به همسر،

سخن گفتن و ابراز علاقه ی زبانی به وی می باشد «قول الرجل للمرأة انی احبک لا یذهب من قلبها ابداً» (حرعاملی، بی تا، ج ۱۴، ص ۱۰). این گفتار مرد به همسرش که «من تو را دوست دارم» هرگز از قلب زن بیرون نمی رود. از دیگر آداب ابراز علاقه به همسر، تشکر و سپاسگزاری از اوست. محبت شوهر به همسر خود از طبیعی ترین انواع دوستی هاست و اگر با دوستی و مهربانی سرشار از طرف زن همراه باشد، هیچ کینه و بی مهری ای برجا نمی ماند. ثمره این اظهار دوستی و صمیمیت، لبریز شدن کانون دل و فضای خانه از آرامش و سکون است و در چنین دل و خانه ای اضطراب و بی قراری راهی برای نفوذ ندارد. استقبال از همسر با کلام و با احترام از مهم ترین نکات همسررداری است که استفاده از کلمات درست و بجا صمیمیت کانون خانواده را تقویت می کند. (دادگران، ۱۳۷۴، ص ۲۰۶)



سیره اهل بیت (علیهم السلام) نیز روشنگر اهمیت محبت و عشق بین زن و شوهر است، یکی از نکات قابل تأملی که در حدیث کسا نمایان است، عبارات سرشار از محبت و احترامی است که وجود مقدس زهرا ی اطهر در مواجهه با همسر و فرزندان به کار می برد. این عبارات بازگوکننده عظمت مقام این خانواده و ادب، معرفت و محبت شگرف فاطمه زهرا (سلام الله علیها) نسبت ایشان است؛ آنجا که به فرزندان می فرماید: «السلام علیک یا ولدی و یا قره عینی و ثمره فؤاد» و نیز آنجا که همسر بزرگوار خود را این گونه خطاب می کند: «و علیک السلام یا ابالحسن و یا امیر المؤمنین» (حدیث کساء). و سخن امام رضا علیه السلام که فرمودند: «بعضی زن ها برای شوهرشان بهترین غنیمت هستند، زنانی که به شوهرشان اظهار محبت کنند» (نوری، همان، ج ۲، ص ۵۳۲).

بنابراین زوجین برای ایجاد گفتگوی سازنده و اثر بخش بایستی تا می توانند از الفاظ محبت آمیز و محترم نسبت به یکدیگر به کارگیرند و از نامیدن یکدیگر به القاب ناپسند دوری کنند که هم دستوری قرآنی است و

هم درآموزه های دینی و اخلاقی به آن توصیه شده است، و با استفاده از کلمات دلنشین و عاطفی بر جذب بیشتر همسر نسبت به خود اقدام نمایند.

۲-۱- محترمانه بودن سخن همراه با تکریم شخصیت همسر

احترام متقابل بین زوجین می تواند یکی از مهمترین گزینه های ارتباطی و عامل تحکیم مودت زندگیشان محسوب شود و آنچه بیش از هر چیز دیگر، این پیوند عاطفی و مقدس میان زن و شوهر را تحکیم و تداوم می بخشد، اخلاق نیکو و پایبندی به تکریم شخصیت زوجین به یکدیگر و انجام وظایف در قبال یکدیگر در محیط گرم و با صفای خانواده است. این ویژگی می تواند زوجین را با تمام تفاوت های اخلاقی و رفتاری شان به طور مسالمت آمیز در کنار یکدیگر حفظ کند. از طرفی هر انسانی به شخصیت خویش علاقه مند است (اسراء، ۷۰) و می خواهد دیگران نیز به شخصیت او احترام بگذارند که مراعات آن می تواند در جلب محبت مؤثر باشد.

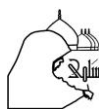
مرد به حکم آن که مسئولیت سرپرستی خانواده را بر عهده دارد، لازم است از سوی اعضای خانواده به خصوص همسر خود مورد احترام قرار گیرد. امام صادق علیه السلام زن سعادت مند را اینگونه معرفی می نماید: «سعیده سعیده امرأه تکرّم زوجها و لاتؤذیه و تطیعه فی جمیع احواله» (مجلسی، ۱۴۰۳ ه ق، ج ۱۰۰، ص ۱۳۶)؛ زن سعادت مند آن زنی است که شوهر خود را اکرام و احترام کرده، اذیتش نکند و او را در همه حال اطاعت نماید. و احترام نسبت به زن نیز لازم و ضروری است، چه زمانی که او دختری در خانه پدر است و چه زمانی که همسری در کنار شوهر و یا مادری مهربان برای فرزندان باشد. امام صادق (علیه السلام) زن را لعبتی می داند قابل احترام و می فرماید: «من اتخذ امرأه فلیکرّمها فانما المرأه لعبه فمن اتخذها فلا یضیعها» (حرعاملی، بی تا، ج ۱۴، ص ۲۵۰)؛ هر کس زنی بگیرد، باید احترامش کند. زن شما لعبت و دلبر است، هر کسی لعبتی به دست آورد، نباید آن را



ضایع سازد. بنابراین احترام در کلام، باعث ایجاد الفت و علاقه به ادامه سخن گفتن بین طرفین گفتگو (زوجین) شده و ارتباط کلامی و عاطفی را صادقانه، مهربانانه و بسیار صمیمی و پایدار خواهد کرد. (فتحی، همان، ص ۵۸)

در حقیقت سیره عملی نبی مکرم اسلام (صلوات الله علیه و آله وسلم) نیز به خوبی نشان می‌دهد که ایشان در نهایت احترام با زنان، خصوصا دختر گرامیشان حضرت فاطمه (سلام الله علیها) و همسرانشان رفتار می‌کردند. که رفتار و گفتار ایشان در حقیقت ترسیم کننده نگاه اسلام به زن است، که زن را از موجودی پست و فاقد روح انسانی در عصر جاهلیت به انسانی صاحب کرامت تبدیل کرد. موبد این مطلب، کلام گهربار ایشان است که فرمودند: «خیرکم خیرکم لنسائه وانا خیرکم لنسائی» (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۳۲۰)؛ بهترین شما مردی است که با زنش خوش رفتارتر باشد و من از همه شما نسبت به زنانم خوش رفتارترم.

در فرمایشات امیرمؤمنان علی (علیه السلام) آمده است که: «ان رأوا مؤمنا کرموه» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۴، ص ۳۵۱)؛ هرگاه مؤمنی را ببینند، او را (به زبان و رفتار) احترام می‌کنند. کلام امام (علیه السلام) عام است و شامل سخن گفتن زوج و زوجه نیز می‌شود، پس وقتی مومن به جهت مومن بودنش قابل احترام است چه بسا همسر که هم مصداق ایمانی دارد و هم شریک زندگانی، به طریق اولی سزاوار اکرام و احترام است. همینطور دایره این احترام و دوستی در گفتگوهای معصومان نه تنها به همسران و اطرافیان بلکه با مخالفان فکری خود پیشرفته است تا بدانجا که این بزرگواران، در گفتگو با کافران و مشرکان، از تعبیراتی چون «یا ابا اهل مصر» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۷۳)، «یا ابا العرب»، «یا ابا الیهود» (ابن طاووس، ۱۴۱۳، ص ۴۵۴) و... استفاده می‌کردند. این تعبیر، نشان از حاکم بودن روح احترام و تکریم بر گفتگوها دارد. گفتگوهایی که با هدف اثر گذاری و امتناع مخاطبان و اصلاح و دگرگونی در نگرش های آنان انجام می گرفته است تا مخالفان فکری به تفکر و اندیشه روی آورند. در این روایات نیز الغای خصوصیت شده و به ارتباط



بین زوجین نیز سرایت داده می‌شود. صحبت مؤدبانه، سلام کردن به یکدیگر، و استقبال یا بدرقه همسر، از مصادیق احترام گذاشتن همسران به یکدیگر است.

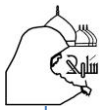
باید دقت داشت که گاهی بی‌احترامی زوجین به یکدیگر، سبب تمسخر شده در حالیکه خداوند متعال از این صفت زشت نهی نموده است «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ» (حجرات، ۱۱)؛ سخن نباید با تمسخر و تحقیر تحمیق باشد، زبان گاهی همچون شمشیری است که گویند را مجروح می‌سازد هم شنونده را و بخش مهمی از دعوایها و اختلافات زوجین، به جهت عدم رعایت این اصل مهم می‌باشد. پس زن و شوهر باید مؤدبانه با هم سخن بگویند و از سخنان زشت و رکیک اجتناب نمایند. این کردار ناشایست سبب پستی خود فرد مسخره کننده می‌شود و امام صادق (علیه السلام) با اشاره به این نکته می‌فرماید: «هر کس مؤمنی را پست و حقیر کند، خدای تعالی باز نمی‌ایستد از پست کردن و دشمنی او، تا آن بی‌احترامی را جبران کند.» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۵۱) از نظر فقهی نیز اگر هر یک از زن یا شوهر به یکدیگر الفاظی مانند نفهم و بی‌شعور بگویند، چنین الفاظی توهین محسوب می‌شود و هیچ‌کس - حتی زن و شوهر - حق توهین به دیگری را ندارد (مکارم شیرازی، بی‌تا، ص ۲۴۴). و اگر زن و شوهری این الفاظ را به یکدیگر گفته‌اند از این کار توبه کنند و ناراحتی‌های یکدیگر را جبران نمایند و عذر همدیگر را پذیرا باشند؛ بنابراین اگر سخن گوینده همراه با احترام به شنونده باشد، هم نشان از شخصیت والای اوست و هم نشان از احترام و ارزش‌گذاری به مخاطب، از این‌رو شنونده که یکی از زوجین است، با توجه به این نکات بر اشتیاقش نسبت به شنیدن کلام افزوده می‌شود و این شوق سرشار در پیگیری و ارتباط کلامی و غیر کلامی، ایشان را صمیمی‌تر، عاشقانه‌تر و پایدارتر می‌گرداند. (قراچه داغی، همان، ص ۷۶)



۳-۱ دوری از تندى و خشونت و توجه به آرامش بخشى

لحن صدا، حالت صورت و حرکات در نحوه جذب و برداشت مناسب توسط مخاطب گفتگو تاثیر زيادى دارد. حتى مى توان گفت در بسيارى از موارد لحن صحبت معنى کلام را تغيير مى دهد. دورى از تندى و خشونت همان آرامش در سخن گفتن، به معنای طمانينه و راحتى فکر در کلام است که اسلام آن را ستوده است قرآن مجيد با صراحت تمام به پيامبر اسلام (صلى الله عليه وآله) مى فرمايد: «فبما رحمة من الله لنت لهم و لو كنت فظا غليظ القلب لانفضوا من حولك» (آل عمران، ۱۵۹)؛ به واسطه رحمت الهى نسبت به آنان نرم خو شدى که اگر خشن و سنگدل بودى، هر آينه از اطراف تو پراکنده مى شدند. فظ در لغت به معنى کسى است که سخنانش تند و خشن است، و غليظ القلب به کسى ميگویند که سنگدل مى باشد و عملا انعطاف و محبتى نشان نمى دهد بنا بر اين، اين دو کلمه گرچه هر دو بمعنى خشونت است اما يکى غالبا در مورد خشونت در سخن و ديگرى در مورد خشونت در عمل به کار مى رود و به اين ترتيب خداوند اشاره به نرمش کامل پيامبر صلوات الله عليه و آله و انعطاف او در برابر افراد نادان و گنهگار مى کند (مکارم شيرازى، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۱۴۱). لذا افراد خشن و سختگير نمى توانند مردم دارى کنند. و چه بسا زن و شوهر نيز از براى ايجاد محبت و جذب يکديگر از اين قاعده قرآنى مستثنى نيستند. وقتى قرآن کریم مى فرمايد: «قولا لينا» (طه، ۴۴)؛ حتى با سرکش ترين افراد نيز براى ايجاد ارتباط سازنده بايد ابتدا با نرمى و لطافت سخن گفت.

زن و شوهر بايد بدانند که، هيچ دو انسانى وجود ندارند که با هم اختلاف نظر و عقيدة نداشته باشند. همين مسأله ممکن است در آرام کردن آنها نقش بسزايى داشته باشد. وقتى دو نفر با هم اختلاف نظر پيدا مى کنند تا حدى که در زندگى هم دخيل هستند به بحث مى پردازند. خوب است بدانند که مشاجره و دعوا از اختلاف نظرها نيست بلکه از همين بحث کردن است



که به وجود می‌آید و به میزان دخیل بودن همدیگر در زندگی هم این مشاجره‌ها شدت می‌گیرد. پیامبر عزیز خدا (صلی الله علیه و آله) می‌فرمایند: «خیر الرجال من أمتی الذین لایتطاولون علی اهلیمهم و یحنون علیهم ولا یظلمونهم» (طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۲۱۶)؛ بهترین مردان امت من، آن کسانی هستند که نسبت به خانواده خود خشن و متکبر نباشند و بر آنان ترحم و نوازش کنند و به آنان آزار نرسانند.

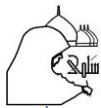
همچنین باید بدانند که تندی و خشونت منجر به نفرت میشود. نفرت را با نفرت نمیتوان از بین برد. بلکه درمان آن عشق و محبت و آرامش است. در جایی مردی خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آمد و عرض کرد: «همسری دارم که هرگاه وارد خانه می‌شوم به استقبال می‌آید، و چون از خانه بیرون می‌روم بدرقه ام می‌کند و زمانی که مرا اندوهگین می‌بیند می‌گوید: اگر برای رزق و روزی - و مخارج زندگی - غصه می‌خوری، بدان که خداوند آن را به عهده گرفته است و اگر برای آخرت خود غصه می‌خوری، خدا اندوهت را زیاد کند - و بیشتر به فکر آخرت باشی - رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «ان لله عمالا و هذه من عماله لها نصف اجر الشهيد» (عاملی، بی‌تا، ج ۱۴، ص ۱۷)؛ برای خدا کارگزارانی - در روی زمین - است و این زن یکی از کارگزاران خداست که پاداش او برابر با نیمی از پاداش شهید است. در این حدیث رسول اکرم (صلوات الله علیه و آله) آن زن را کارگزار خداوند بر روی زمین می‌داند به جهت کلام حمیده ی او در ایجاد آرامش در همسرش است. وقتی زوجه در برابر غم و اندوه همسر با او شروع به صحبت کردن میکند تا غم را از او بزداید و با ایجاد فضای آرام بین یکدیگر بر صفای خانه و خانواده بیفزاید، پیامبر اکرم (صلوات الله علیه و آله) او را از کارگزاران خداوند می‌شمارد و مظهر رحمت الهی. در مقابل این بانوی کارگزار، وقتی سعد بن معاذ که یکی از اصحاب بزرگ رسول خدا و مورد احترام آن جناب بود درگذشت، رسول اکرم مانند صاحبان عزا با پای برهنه در تشییع جنازه



اش شرکت نمود. بدست مبارک خویش جنازه را در قبر نهاده روی آنرا پوشاند. در آن هنگام مادر سعد که آن همه احترام را از رسول خدا مشاهده نمود فرزندش سعد را مخاطب قرار داده گفت: ای سعد بهشت گوارایت باد. پیغمبر اکرم فرمود: ای مادر سعد! این چنین مگو، زیرا سعد را درقبر فشار سختی وارد شد. بعدا علت فشار قبر سعد را از آن حضرت پرسیدند. فرمود: علتش آن بود که با خانواده اش بد اخلاقی می کرد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۳، ص ۲۹۸).

زن و شوهر ممکن است هنگام صحبت علی رغم حسن نیت به بیراهه بروند. به جای صحبت نرم و ملایم، با هم مشاجره کنند و چون یکی از آنها به قصد سبک کردن فضای سنگین صحبت، به شوخی حرفی بزند، دیگری چنان واکنش نشان دهد که انگار در شوخی هم قصد و شری در کار بوده است. در این شرایط هر اقدامی برای تلطیف فضای صحبت، نتیجه معکوس می دهد. هم صحبتی زن و شوهر با هم، برای رشد و بقای احساس صمیمیت آنها نقش قطعی دارد. متأسفانه بسیاری از زوج ها و شاید بتوان گفت اغلب آنها از مهارت های لازم آرامش بخشی برای گفت و گو با یکدیگر برخوردار نیستند و بی آنکه بخواهند گرفتار سوء تفاهم و دل سردی و تکدر خاطر می شوند. به اعتقاد بعضی ها بلند صحبت کردن همسر، نشانه عصبانیت و حتی ضعف اخلاقی است. در این مورد زن و شوهر می توانند با گفت و گو، مسئله بلند صحبت کردن را حل کنند. زن یا مردی که از صدای بلند همسرش رنجیده، باید این احتمال را در نظر بگیرد که ممکن است بلند صحبت کردن همسرش را اشتباه تفسیر کرده باشد. (ماهوان، ۱۳۸۵، ص ۱۳۱)

از سوی دیگر همسر نیز می تواند لحن صدای خود را ملایم تر کند. آیه شریفه به همین مطلب اشاره دارد: «وَأَعِضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ» (لقمان، ۱۹)؛ و در سخن گفتنت از صدای خود بکاه - و فریاد





مزن - چرا که زشت‌ترین صداها، صدای خران است، در واقع در این آیه به صفت، رعایت اعتدال در "عمل" و "سخن" امر شده و براستی کسی که این صفت را دارد انسان موفق و خوشبخت و پیروزی است، در میان مردم محبوب، و در پیشگاه خدا عزیز است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۵۹). کلمه "قصد" در هر چیز به معنای حد اعتدال در آن است، و کلمه "غض" به طوری که راغب گفته به معنای نقصان در نگاه کردن و صدا کردن است، و بنا به گفته وی غض صوت به معنای آهسته و کوتاه صدا کردن است، و معنای آیه این است که در راه رفتنت میانه‌روی را پیش گیر، و در صدایت کوتاه و ناقص آن را پیشه ساز، که ناخوش‌ترین صوت‌ها صوت خران است، که در نهایت بلندی است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۳۲۷).

بنابراین خشونت در بحث و سخن - که از آفات زبان می باشد - از اموری است که باعث شکست انسان، کم شدن از میل و اشتیاق مخاطب به گوش دادن به سخنان و چه بسا موجب انحراف بیشتر طرفین می گردد؛ زیرا این شیوه موجب تحقیر طرف مقابل و بی احترامی به فکر و اندیشه اومی شود. پیامبر (صلی الله علیه وآله) در سرزنش درشت گویان می فرماید: «من خاف الناس لسانه فهو فی النار» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۱۸) کسی که مردم از زبان او بترسند، و پس چنین کسی در آتش است.

۲- گفتگوی مخرب

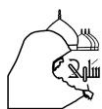
مهارت گفتگو از مهمترین مهارت‌های ارتباطی کلامی زوجین است که نقش بسزایی در آگاه سازی، ایجاد الفت، استحکام خانواده و مناسب برای برقراری ارتباط بین اعضای خانواده است؛ اما باید به این نکته توجه داشت که گاهی گفتگوی بین زوجین، نه تنها سازنده و مثمر ثمر نخواهد بود بلکه مخرب و ویرانگر ارتباط بین زوجین می گردد چرا که آداب و شرایط موثر در سازندگی این مهارت، رعایت نشده است. در ادامه به مهمترین این عوامل پرداخته می-شود. چه بسا همانطور که زن و شوهر می بایست از بایدهای حاکم بر گفتگو

آگاه شوند به همان میزان نیز شناخت نبایدها در تاثیر کلامی زوجین موثر و حائز اهمیت است.

۲-۱ عدم رعایت اصول و مهارتهای انتقاد کردن

گفتگو نوعی برهم‌کنش بین دو یا چند نفر و راهی برای فهمیدن است و گفتگوی انتقادی به افراد در حل مسائل، تصمیم‌گیری در موقعیت‌های زندگی، شکل‌گیری هویت و عاداتی با ثبات در شخص کمک می‌کند، اما با وجود این نقاط مثبت، نباید از اثرات سوء گفتگوی انتقادی مخرب غافل شد. کلمه انتقاد از ریشه نقد کردن و در فارسی معادل آشکار و پدیدار کردن است. در اصطلاح این کلمه چندین کاربرد دارد. معنای مشهور و متداول آن در بین عامه مردم ایراد و اشکال گرفتن به گفتار و رفتار دیگران مردم معمولاً تمایل دارند انتقاد را به شکل منفی به کار برند و تعبیر و تفسیر کنند و یا به دلیل منفی بودنش از انتقاد کردن خودداری نمایند. اگر چند نفر را به طور اتفاقی انتخاب کنید و از آنان بپرسید: معنی انتقاد چیست؟ به احتمال زیاد خواهند گفت: انتقاد اظهارنظری است مخرب، تحقیرکننده یا خصومت‌آمیز که هدفش عیبجویی است. در انتقادهای متداول، انتقاد کننده معمولاً به شکلی غیرمنصفانه فقط روی نقاط ضعف انگشت می‌گذارد. (فتحی، همان، ص ۹۹)

اما در معنای علمی انتقاد، یعنی آشکار کردن و بازگو کردن زوایا و نکات مهم در یک سخن یا نوشتار یا رفتار. به تعبیر دیگر انتقاد عبارت است از انتقال اطلاعات به دیگران به نحوی که افراد مورد انتقاد بتوانند آن را در جهت مصالح خود به کار برند و یا انتقاد وسیله‌ای است برای تشویق و افزایش رشد فردی و روابط اجتماعی. آنچه که معمولاً از کلمه انتقاد کردن رایج است، بیشتر به معنای نقاط ضعف و عیب یک موضوع را بیان کردن است. در ظاهر این کار را ساده و عادی می‌دانند در حالی که انتقاد یا امر و نهی کردن کار ساده و آسانی نیست بلکه اگر قرار باشد این امر و نهی و انتقاد،



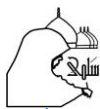
مفید و تاثیر گذار باشد کاری پیچیده و مستلزم مهارت انتقادگری است، توانایی بر این کار نیازمند مهارت خاصی است که بتوانیم فرد را بدون آنکه ناراحت شود متوجه اشتباهش نماییم. در غیر این صورت انتقاد گری سبب آزردگی و عدم تاثیر گذاری می‌شود و از ترس اینکه طرف مقابل آزرده شود از انتقاد کردن وحشیانه و حتی امر به معروف و نهی از منکر صرف نظر می‌شود. (ماهوان، همان، ص ۸۹)

مهمترین مسأله در نقد و انتقاد اصلاح کردن است و اگر دقت کنیم انتقاد صحیح کردن نیز سخت است و نیاز به مهارت‌های خاصی دارد که اگر افراد این مهارت‌ها را ندانند، عملاً انتقاد آنها نه تنها اثر سازنده ندارد، بلکه باعث موضع گرفتن، کینه و دشمنی بین افراد می‌شود. بخش زیادی از کدورت‌ها و نارضایتی بین افراد خانواده به ویژه زوجین ناشی از ایراد و انتقاد است که از یکدیگر می‌گیرند، در حالی که اگر افراد شیوه درست انتقاد و ایراد گرفتن را بدانند، این کدورت‌ها و دشمنی‌ها بوجود نمی‌آید. اگر بپذیریم شنیدن انتقاد مانند خوردن داروی تلخ است، آنگاه باید همان کاری را کرد که داروسازان می‌کنند، داروسازان داروهای تلخ را در لایه ای از مواد شیرین قرار می‌دهند تا تلخی آن کمتر در کام بیمار ریخته شده و اثرگذار شود (اکرامی فرد، ۱۳۸۲، ص ۴۲). یک انتقاد صحیح بایستی شرایط زیر را داشته باشد تا بتواند ضمن آنکه تأثیر گذار است، سبب ناراحتی و نارضایتی طرف مقابل هم نشود. قبل از انتقاد کردن، اول باید مطمئن شد که آنچه را که می‌خواهیم مورد انتقاد قرار بدهیم، واقعا غلط بوده و صرفا برداشت ما نیست و یقین پیدا کنیم خطا کار اصرار بر خطای خود دارد. چرا که در اولین بار خطای خاطی؛ خود را به تغافل بزینیم و تظاهر کنیم که متوجه خطای اونشده ایم.

بایستی زن و شوهر هیچگاه در جمع، یکدیگر را انتقاد نکنند. انتقاد از یک نفر در میان جمع، معمولا به ایجاد حس حقارت - و دست کم حس شرمندگی - در فردی منجر می‌شود که از او انتقاد می‌کنید. چنین انتقادهایی



در بیشتر مواقع موجب رنجش خاطر می‌شوند و نتیجه مطلوبی در پی ندارند. اما انتقادهایی که در خلوت انجام می‌شوند، گویای حسن نیت انتقاد کننده‌اند و بار سازندگی‌شان بیشتر است. امام حسن عسگری علیه السلام میفرماید: « مَنْ وَعَظَ أَخَاهُ سِرًّا فَقَدْ زَانَهُ وَمَنْ وَعَظَهُ عَلَانِيَةً فَقَدْ شَانَهُ » (حرانی، ۱۴۰۴هـ.ق، ص ۴۸۹)؛ هر کس برادر -دینی اش- را پنهانی نصیحت کند، او را آراسته و اگر آشکارا نصیحتش نماید، ارزش او را کاسته است. در این روایت با الغای خصوصیت نسبت به برادر دینی، شامل زوج و زوجه نیز می‌شود. لذا زن و شوهر اگر قصد نصیحت یکدیگر را دارند باید در خلوت به هم مطرح نمایند چرا که در منظر دیگران نصیحت کردن، از ارزش او می‌کاهد و روایات ما نیز اشاره به همین موضوع دارند.



و عنصر زمان برای انتقاد کردن بسیار مهم است. شاید بهترین موقع برای انتقاد کردن، مدت کوتاهی پس از ارتکاب همان عملی باشد که می‌خواهید از آن انتقاد کنیم. البته تا آنجا که در توان هست باید سعی کنیم زمینه را برای یک گفتگوی خصوصی در خلوت و بحث بی‌طرف با فرد انتقاد شونده فراهم کنیم. اگر لحن و کلماتی که برای انتقاد کردن انتخاب می‌کنیم، نامناسب باشد طرف مقابل حس می‌کند که می‌خواهیم او را مورد بی‌احترامی قرار دهیم.

قبل از انتقاد کردن و بیان اشکالات گفتار و رفتار طرف مقابل، ابتدا مختصری از محاسن، خوبیها و توانمندیهای او سخن بگوئید، این کار باعث می‌شود فرد احساس کند که دوست او هستیم و دشمنی نداریم. و در نتیجه حاضر به شنیدن سخن خواهد بود. هر آدمی دوست دارد که نقاط مثبتش دیده شود و مورد تحسین قرار بگیرد. به همین دلیل، بهتر است پیش از شروع کردن به انتقاد و تذکر دادن نقاط ضعف، از یک یا چند نقطه قوت در فرد انتقاد شونده یاد کنیم و پس از اشاره به این ویژگی‌های مثبت، بگوئیم که در او یک نقطه ضعف هم می‌بینیم که اگر بهبود پیدا کند نقاط مثبتش را

پررنگ‌تر خواهد کرد. در پایان انتقاد هم دوباره به خوبی‌های او اشاره‌ای کنیم تا حس مثبت‌اش، او را به تغییر و بازسازی آن نقطه ضعف، ترغیب کند. (فرهنگی، ج ۱، ص ۲۰۹)

وقتی می‌خواهیم خطا و اشکال طرف مقابل را بگوئیم باید دقت کرد، خطا و اشتباه بطور مستقیم بازگو نشود، بلکه این کار را غیر مستقیم انجام داد. مثلاً بصورت سؤال مطرح کرد که از نظر شما این سخن یا عمل چگونه است، خوب یا بد؟ امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «ایما امرأه قالت لزوجها: ما رایت قط من وجهک خیرا فقد حبط عملها» (عاملی، بی‌تا، ج ۱۴، ص ۱۱۵)؛ هر زنی به شوهرش بگوید: من از تو هرگز خیری ندیدم، - ثواب- کارش از بین می‌رود.



همچنین باید مشخص شود که کدام قسمت از رفتار یا گفتار طرف مقابل مورد انتقاد است و انتظارش را نداشته‌ایم. و هنگام انتقاد، از مقایسه کردن باید پرهیز کرد و این عمل موجب ناراحتی و کینه در طرف مقابل میشود در حالیکه قصد ما اگر بهتر شدن کیفیت ارتباط باشد نباید با مقایسه کردن، این هدف مشوش شود. همینطور اگر سخن یا موضوعی در کلام زوجین است، در هنگام انتقاد، موضوع و سخن معیوب را باید مورد هدف قرار گیرد و از بد بودن آن سخن بگفت و هیچگاه صفت بد یا زشت یا غلط را به شخصیت خود فرد نسبت نداد، در واقع کار بد و ناشایست را مستحق سرزنش است نه شخصیت خود فرد.

اگر مزایای رفتاری و گفتاری یک نفر دیگر را به رخ طرف مقابل تان بکشید، معمولاً تاثیر انتقاداتان معکوس می‌شود. از هر گونه مقایسه‌ای که به تحقیر فرد انتقاد شونده منجر می‌شود، پرهیز کنید. این کار، سازندگی انتقاداتان را مخدوش می‌کند اما مقایسه‌هایی که طرف مقابل تان در آنها دست

بالا را خواهد داشت، مطلوب‌اند و حسن نیت شما را به فرد انتقادشونده منتقل می‌کنند.

اطمینان حاصل کنیم که اعمال و رفتاری را که مورد انتقاد قرار می‌دهیم، قابل تغییر است انتقاد در مورد مسائل غیر قابل تغییر بی‌تاثیر است، بنابراین اگر می‌دانیم تاثیر ندارد انتقاد لازم نیست. حساس باشیم که هنگام انتقاد کردن هدف خود را گم نکنیم هدف تأثیر گذاری و اصلاح کردن است. پس موضوع را تفصیل نداده و انتقاد را به سخنرانی یا بحث و جدل بیهوده تبدیل نکنیم، در این مسیر ممکن است طرف مقابل با ابراز ناراضی‌ت‌ی و توجیه کردن سخن خود ناخودآگاه ما را به موضع جدل بکشد و در این جریان هدف اصلی فراموش شود و گفتگو به مسیر غلط کشیده شود. در اینجاست که شنونده بی‌حوصله می‌شود و توجهی به آن نمی‌کند.



برای متقاعد کردن خطا کار بودن طرف مقابل یا غلط بودن سخن و رفتار او از برچسب زدن به او خودداری کنیم، و از کلماتی مثل «همیشه» و «هرگز» برای توصیف رفتارهای منفی دیگران استفاده نکنیم. مثلاً نگوییم: «تو همیشه با صدای بلند می‌خندی» یا «تو هیچ‌وقت به حرف من دقت نمی‌کنی» و... این کلمات، شخصیت آدم‌ها را به لاک دفاعی فرو می‌برد و این حس به آنها دست می‌دهد که ما متمرکز شده‌ایم روی نقاط ضعف‌شان و چشم را به نقاط قوت‌شان بسته‌ایم. «بعضی اوقات» و «معمولاً» و امثالهم خیلی موثرترند از «همیشه» و «هرگز» و امثالهم زیرا تأثیر گذاری انتقاد را به صفر می‌رساند. من مطمئنم که تو خیلی بهتر از اینها می‌توانی انجام وظیفه کنی چون... من مطمئنم که می‌توانم توی این قضیه روی تو حساب کنم چون... گفتن چنین جملاتی باعث می‌شود اعتماد به نفس طرف مقابل‌تان افزایش پیدا کند و حس کند که شما دلتان می‌خواهد او از وضعیتی که دارد به وضعیت بهتری دست پیدا کند. (امیرحسینی، خانواده ۱۳۸۲، صص ۱۳۶-۱۳۰)



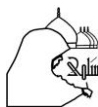
در قانون مدنی ایران آمده که وظایف مشترک زن و مرد را بیان می‌کند: « زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند.» (قانون مدنی، ماده ۱۱۰۳) و در ماده ۱۱۰۴ می‌گوید: «زوجین باید در تشدید مبانی خانواده و تربیت اولاد خود به یکدیگر معاضدت نمایند.» معاضدت و همکاری زن و شوهر، موجب تحکیم پایه های خانواده شده و از امکان هر گونه تزلزل و ناپایداری که از عدم همکاری زوجین حاصل شود، جلوگیری می‌کند. مرد در مواردی بر زن خود ریاست دارد که از جمله آثار ریاست مرد بر خانواده، تکلیف تمکین برای زن است. تمکین دارای یک معنی خاص و یک معنی عام است. تمکین به معنی خاص آن است که زن نزدیکی جنسی با شوهر به طور متعارف را بپذیرد و جز در مواردی که مانع موجه‌ای داشته باشد از برقراری رابطه جنسی با او سر باز نزند. اما تمکین به معنای عام، آن است که زن وظایف خود را نسبت به شوهر انجام دهد و از او در حدود قانون و تعارف اطاعت کند و ریاست شوهر را در خانواده بپذیرد. پس اگر شوهر توقعات نامشروع یا نامتعارفی از زن داشته باشد زن مکلف به اطاعت از او نیست. مثلاً اگر شوهر، زن را از ادای فرایض مذهبی باز دارد یا از زن بخواهد که اموالش را به او انتقال دهد، زن می‌تواند از اطاعت شوهر سر باز زند. (صفایی، امامی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۷۳).

گاهی از تمکین به نشوز تعبیر می‌شود. فرهنگ نویسان در معنای نشوز گفته‌اند: « والنشوز کراهیه کل منهما صاحبه و سوء عشرته له» (ابن منظور، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۱۴۳)؛ نشوز آن است که هر یک از زن و شوهر و دیگری را ناخوش دارد و با او معاشرت ناپسند کند.

مشهور فقهای امامیه، با استناد به بخشی از آیه ی «... وَ الْآتِي تَخَافُونَ نَشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَ اهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَ اضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلاً إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيماً كَبِيراً» (نساء، ۳۴)؛ ... و زنانی که از نافرمانی آنان (در حقوق همسری) بی‌مناکید باید نخست آنان را موعظه کنید و (اگر مطیع

نشدند) از خوابگاه آنان دوری گزینید و (اگر باز مطیع نشدند) آنان را به زدن تنبیه کنید، چنانچه اطاعت کردند دیگر راهی بر آنها مجوید، که همانا خدا بزرگوار و عظیم الشان است، ضمانت اجرای خودداری از ایفای تکالیف مربوط به تمکین و خاص از جانب زوجه را اعمال مراحل سه گانه ی وعظ، هجر و ضرب با شرایط و مختصات خاصی مطرح کرده اند.

به این ترتیب زنانی که پا از حریم نظام خانوادگی فراتر می گذارند قبل از هر چیز باید بوسیله اندرزهای دوستانه و بیان نتایج سوء اینگونه کارها آنان را به راه آورد و متوجه مسئولیت خود نمود. (مکارم شیرازی، ج ۳، ص ۳۷۲) تا موعظه مؤثر باشد، قهر و خشونت ممنوع است و تا قهر و جدایی موقت اثر کند، تنبیه بدنی نیز ممنوع است (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۲۸۵).



هرچند که این راههای علاج با حرف واو به یکدیگر عطف شده، و حرف واو دلالتی بر ترتیب ندارد، ولی از معنای آیه می دانیم که بین این سه علاج ترتیب هست، و می خواهد بفرماید اول او را موعظه کنید، اگر موعظه اثر نگذاشت با او قهر کنید، و رختخوابتان را جدا سازید، و اگر این نیز مفید واقع نشد، او را بزیند دلیل بر این که رعایت تدریج و ترتیب لازم است این است که ترتیب نامبرده به حسب طبع نیز وسایل گوناگونی از کیفر دادن است، هر کس بخواهد کسی را کیفر کند طبیعتاً اول از درجه ضعیف آن شروع می کند، و سپس به تدریج کیفر را شدید و شدیدتر می سازد، بنا بر این ترتیبی که از آیه فهمیده می شود از سیاق آن به دست می آید، نه از حرف واو (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۵۴۶).

قابل توجه است که شیوه ی وعظ در کلام فقها، دعوت زوجه به رعایت تقوای الهی و یادآوری به وی از عواقب اخروی و دنیوی نشوز مانند سقوط حق نفقه و قسم است (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۳۳۸-۳۳۷)؛ (حلی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۷۲۹). بر اساس استدلال شهید ثانی در مسالک،

با ظهور امارات نشوز، و عطف لازم است. (شهید ثانی، ۱۴۱۶، ج ۸، ص ۳۵۵) شاید عطف موجب بازگشت زوجه از عمل نادرست شود. به ویژه اینکه عطف در کلام فقها در معنایی آمده است قاعده ی قبح عقاب بلا بیان را - که از قواعد مهم دین اسلام در حقوق کیفری است - تضمین می کند.

همینطور باید توجه داشت که به طور کلی، استیفای حق با قهر و غلبه و جاهت شرعی ندارد و در چنین جایگاهی، تنها رجوع به حاکم پذیرفته شده است، زیرا بر اساس آیات قصاص و احکام دیات، انسانها از تعدی به تمامیت جسمانی یکدیگر منع شده اند و تنها موارد تجویز تعرض به تمامیت جسمانی، یا مربوط به تحقق حق خود فرد است، مانند تأدیب طفل که برای مصلحت خود طفل تجویز شده است، یا مربوط به حوزه ی حقوق الله است مانند مورد نهی از منکر. بنابراین ماهیت تجویز ضرب در آیه ی ۳۴ سوره نساء، فقط بیان نهایت تحدید اعمال قهر و غلبه علیه زن است که در جامعه ی عصر نزول، حق مسلم مرد نسبت به همسر، حتی در غیر از موارد تکالیف زن و در حوزه ی رفتارهای شخصی وی و غیرمرتبط به حوزه ی خانواده به شمار می رفته است. (شاکری گلپایگانی، ۱۳۹۳، ص ۱۹۰)

گاهی اوقات هنگام انتقاد، گفتگو به بحث و جدل کشیده می شود در اینجا است که باید گفتگو را قطع کنیم. قران کریم می فرماید: «و لاتنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم» (انفال، ۴۶)؛ و باهم نزاع و ستیزه مکنید که سست و بیمناک می گردید و تسلط و حکومتتان از میان می رود. خداوند امر فرموده است تا همگی به ریسمان محکم او، که در میان بندگان قرار داده و همان بندگی و عبودیت است، چنگ زنیم و متفرق نشویم و به گردِ نعمت اسلام و برادری ایمانی جمع شویم. منازعات و اختلافات همواره زاییده اخلاق بد و پست است. احادیث متواتری از پیامبر گرامی صلوات الله علیه و آله وسلم و ائمه اهل بیت علیه السلام وارد شده که مردم را به ترک جدال و کشمکش تشویق می کند و نتایج بد و عواقب وخیم آن را که موجب زیانهای بزرگ و



ایجاد کینه و دشمنی در دلهاست توضیح می دهد. پیامبر خدا صلوات الله علیه و آله بر گروهی وارد شد در حالی که بایکدیگر در مجادله بودند ، آن حضرت در خشم شد و فرمود: «جدال را که خیرش اندک است رها سازید و کشمکش را که سودش ناچیز است ترک کنید چه آن دشمنی را در میان برادران و دوستان برمی انگیزد. نیز: با برادر (دینی) خود مجادله و شوخی مکن و به او وعده ای مده که در آن تخلف کنی.» (عاملی، بی تا، ج ۲۷، ص ۷۲) و نیز فرمودند: «جدال را ترک کنید چه حکمتی از آن فهمیده نمی شود و از فتنه آن ایمنی نیست.» (همان، ص ۷۲)

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «چون کسی را دوست می داری ، با او مجادله مکن و رقیبش مشو و بر او برتری مجوی و از کسی درباره اش چیزی مپرس ، زیرا بسا که از دشمنش بپرسی و او (به دروغ) چیزی بگوید که سزاوارش نیست و بدین سان میان شما جدایی اندازد (نهج الفصاحه، ص ۱۴۱).

امام علی علیه السلام فرمودند: «هر کس از آبروی خود بیمناک است، از جدال بپرهیزد. هیچ بنده ای حقیقت ایمانش را کامل نمی گرداند مگر آنگاه که جدال را ترک کند هرچند بر حق باشد. از جدال و دشمنی بپرهیزید چه آن دلها را نسبت به دوستان بیمار می کند و نفاق در آنها می رویاند. امیرمؤمنان علیه السلام در وصیت خود به کمیل بن زیاد نخعی فرموده است : ای کمیل از مجادله و کشمکش بپرهیز چه تو با این عمل بی خردان را بر خود می شورانی» (نهج البلاغه، ح ۳۶۲) بنابراین اگر کلام زوجین عاری از انتقاد کوبنده باشد یعنی منطبق با شرایط عدم رعایت اصول انتقاد کردن ، میتوان امید داشت که کلام و سخن بین زوجین در راستای تحکیم خانواده پیش میرود.

۲-۲ غیر واقعی بودن سخن





صداقت و راستی از بهترین سرمایه‌های زندگی مشترک است و در مقابل آن، دروغ به معنای سخن ناراست، خلاف حقیقت و یا واقعیت است. در نكوهش این عمل زشت - که از نظر فقهی طبق نظر مراجع عظام، حرام است ، همین بس که قرآن مجید دروغ‌گویان را در حد کافران و منکران آیات الهی به شمار آورده است و می‌فرماید: «انما یفتري الکذب الذین لایؤمنون بآیات الله و أولئک هم الکاذبون» (نحل، ۱۰۵) ؛ تنها کسانی دروغ می‌بندند که به آیات خدا ایمان ندارند، (آری) دروغ‌گویان واقعی آنها هستند. گرچه در این آیه دروغ و افترا بر خدا و پیامبر است ولی با لغو خصوصیت و تنقیح مناط، زشتی دروغ نسبت به هر شخص دروغگویی، ثابت می‌شود. و در جای دیگر نیز با تعبیر شدید اللحنی می‌فرماید: «ویل لكل أفاک أثیم» (جاثیه، ۷)؛ وای بر هر دروغ‌گوی گنهکار.

گفتگوی بین زوجین وقتی غیر واقعی و آمیخته به دروغ باشد قطعاً اثرات مخربی بر روابط آنها خواهد داشت چرا که زندگی زناشویی بر اساس نوعی اعتماد نسبی دو جانبه استوار است و دروغ به این اعتماد لطمه می‌زند و موجب اختلال و سلب احترام در روابط بین زن و شوهر شده و بدبینی را بین آنان پدید می‌آورد. همچنین فاش شدن دروغ شخص مبتلا باعث می‌شود تا آبروی او را بریزد و ارزش و اعتبار خود را از دست دهد. (اکرامی فرد، همان، ص ۱۰۸)

در این رابطه حضرت علی (ع) می‌فرماید: «سزاوار است که مسلمانان از دوستی و برادری با دروغگو اجتناب کنند؛ زیرا او آنقدر دروغ می‌گوید که راستش را هم باور نمی‌کنند.» (نهج البلاغه، خ ۸۷) بنابراین وقتی زوجین نسبت به هم اعتمادشان سلب شود و دیوار بی‌اعتمادی بین زن و شوهر شکل گیرد، مخصوصاً وقتی این رفتار زشت در روابط بین زن و مرد، چندین بار تکرار شود و مرد یا زن متوجه شود که همسرش به راحتی دورغ می‌گوید. نه تنها ارتباطشان کمرنگ شده بلکه با یکدیگر مشورت نخواهند کرد چون دروغگو،

مانند سراب، دور را در نظر دیگران نزدیک نشان می دهد و نزدیک را دور (نهج البلاغه، ح ۱۰۰۹۲) و همین دوری از یکدیگر سستی و رخوت در زندگی ایجاد می کند.

دروغ به جز آثار سوئی که بر بنیان و شالوده خانواده و فروپاشی آن دارد، بر شاکله خود انسان نیز آثار زیانباری به دنبال دارد. اگر کشف دروغ در کلام، روحیه دروغگو را متزلزل نکند و او همچنان به دروغگویی ادامه دهد، کشف های پی در پی، شرم را از او می برد و وی را دروغگوی حرفه ای می سازد و دیگر، از آنکه عیبش آشکار شود، ابایی ندارد.



همچنین موجب خشم خداوند و دوری از رحمت الهی شده (تمیمی آمدی، همان، ص ۲۲۱، ح ۴۴۱۸) و مشمول لعنت خداوند می گردد: «فجعل لعنة الله على الكاذبين» (آل عمران، ۶۱) و این امر در مسائل فکری و اعتقادی موجب تباهی ایمان و عقیده می گردد. دروغ با ایمان ناسازگار و بیانگر خاموشی نور ایمان در قلب دروغ گو است: «سئل رسول الله (صلى الله عليه وآله) يكون المؤمن جباناً؟ قال: نعم؛ قيل: و يكون بخيلاً؟ قال: نعم، قيل، يكون كذاباً؟ قال: لا!» از پیامبر پرسیدند: آیا انسان مؤمن ممکن است (گاهی) ترسو باشد؟ فرمود: آری، باز پرسیدند: آیا ممکن است (احیانا) بخیل باشد؟ فرمود: آری، باز پرسیدند: آیا ممکن است کذاب و دروغ گو باشد؟ فرمود: نه (نراقی، بی تا، ج ۲، ص ۳۲۲). دروغگو برای رسیدن به هدف و مطلوب خویش، دروغ را ابراز مؤثر در نتیجه کار می داند و این همان شرک خفی است و نشانگر ضعف ایمان دروغگو نسبت به تأثیر خداوند متعال بر امور است.

در کلام امام باقرعلیه السلام «ان الله - عزوجل - جعل للشرا اقفالا و جعل مفاتيح تلك الأقفال الشراب و الكذب شر من الشراب» (کلینی، همان، ج ۲، ص ۲۵۴) دروغ از شراب بدتر شمرده شده چه بسا می توان اینگونه استنباط کرد که شراب اثرش بر خود شراب خوار متوجه می گردد لکن اگر زوجین به یکدیگر دروغ گویند، نه تنها بر خود ظلم نموده اند بلکه از اعتماد همسر

خویش سوء استفاده نموده و بر او نیز ظلم نموده و اثر سوئی بر زندگی هر دو مترتب می‌گردد.

در مقابل این خصیصه زشت، راست‌گویی از صفات اهل ایمان به شمار می‌آید و متقابلاً بین ایمان دروغ‌دیواری آهنین کشیده شده است و این دو با هم ناسازگارند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) در وصف اهل ایمان می‌فرماید: «المؤمن صدوق اللسان و لا کذاب» (مجلسی، همان، ج ۶۴، ص ۳۱۱) راستی و راست‌گویی موجب اتحاد و صمیمیت است و دارنده آن امین و مورد احترام می‌باشد، وقتی خداوند منان در قرآن کریم بارها صادقین را توصیف و تحسین نموده است. از جمله می‌فرماید: «هذا يوم ينفع الصادقين صدقهم لهم جنات تجری من تحتها الأنهار خالدین فیها أبدا رضی الله عنهم و رضوا عنه ذلک الفوز العظیم» (مائده، ۱۱۹)؛ امروز، روزی است که راستی راست‌گویان، به آنان سود می‌بخشد. برای آنها باغ‌هایی از بهشت است که نهرها از زیر درختان آن می‌گذرد و تا ابد، جاودانه در آن می‌مانند؛ هم خداوند از آنها خشنود است، و هم آنان از خدا خشنودند؛ این، رستگاری بزرگ است این خشنودی که خداوند از بنده خود دارد، قطعاً بر زندگی او تراوش کرده و محبت بین زوجین را در سایه اعتماد افزایش می‌دهد. بنابراین سخنی که آغشته به واقعیت نباشد هم موجب اضطراب‌گوینده آن می‌شود و هم مودت و رحمتی را که شالوده‌ی زندگی زوجین است به تزلزل می‌کشاند و وجود این همه آیات و روایات اهمیت این امر را می‌رساند.

۳- راه‌کارهای تقویت و افزایش مهارت گفتگوی سالم

در مباحث پیشین به مهمترین آداب و روشهای گفتگوی سازنده و عوامل گفتگوی مخرب پرداخته شد. زن و شوهر باید به دنبال عواملی باشند که ضامن ایجاد و حفظ محبت در روابط آنان باشد. و چنین رابطه رضایت‌بخشی به خودی خود حاصل نمی‌شود، بلکه لازم است افراد آن را ایجاد نمایند. در این بخش به ارائه راهکارهایی کاربردی برای ایجاد گفتگوی سالم و

از بین بردن موانع آن پرداخته می‌شود. به طوریکه برخی از این راهکارها به جنبه‌ی ایمانی و معنوی طرفین برمی‌گردد و بعضی نیز به جنبه‌ی مهارت تکلم و سخن گفتن زوجین مربوط می‌گردد.

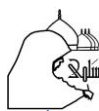
۳-۱ راهکارهای معنوی

دین مقدس اسلام در هر زمینه‌ای بنده را یاری نموده و به وی راهکار معنوی در بهبود وضعیت ایشان ارائه می‌دهد. به مهمترین این راهکارها در ذیل اشاره شده است.

۳-۱-۱ ایمان و جلب رضایت خدا

بسیاری از گفتگوهای بین زن و شوهر، حاصل افکار و برداشت‌های ایشان از رفتارها و سخنان یکدیگر است و همین امر موجب پیش‌داوری نسبت به یکدیگر می‌شود. زوجین باید توجه داشته باشند که هدف از ارتباط کلامی نباید صرف تخلیه هیجانات و عصبیت‌های فروخورده و محکوم کردن مخاطب و مچ‌گیری، تحقیر و تحمیل عقیده باشد. در رویکرد دینی، هر کاری - اگرچه کوچک - برای خدا است و عبادت محسوب شده و انسان را به کمال و آرامش می‌رساند. (محسنیان، ۱۳۸۷، ص ۴۹)

خداوند کانون همه خوبی‌هاست و ایمان، شرط اصلی عزت است. در سایه بندگی خداست که سربلندی انسان تأمین می‌شود. ایمان حقیقی موجب احترام و تکریم همه و دارای عزت و سرفرازی می‌شود. طبیعی است. نیت، عمل و از جمله ارتباط بین اعضای خانواده را ارزشمند و هدفمند می‌کند. از همین رو در آیات قرآن هفتاد بار کلمه‌ی «فی سبیل الله» به کار رفته است. مقدس‌ترین کارها، با نیت و هدف بد، فاسد می‌شود، نیت خدایی عامل جذب الطاف و عنایات الهی می‌شود، راه‌ها روشن و هموار می‌شوند. اینجاست که خداوند متعال می‌فرماید: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا...» (عنکبوت، ۶۹) اگر نیت ما در ارتباطات اجتماعی و خانوادگی در جهت جلب رضایت





حضرت حق باشد، خداوند دل‌ها را متمایل و شیفته هم نموده و تصریح می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَانُ وُدًّا» (مریم، ۹۶) آنان که ایمان به خدا آورند و کارهای شایسته انجام دهند، خداوند بر ایشان محبوبیت ایجاد می‌کند». بنابراین می‌توان یکی از علل عمده خستگی و ناتوانی در جلب محبت و همسر و ریشه اصلی تنش‌ها، طلاق‌های عاطفی و کاهش ارتباط کلامی بین زوجین را آلوده شدن هدف و نیت به خودخواهی، خودمحوری و دوری از نیت خالص الهی جستجو کرد. که برای از بین بردن این مانع در جذب عاطفه زوجین به یکدیگر، افزایش ایمان و روح معنوی در زن و شوهر از بهترین روشهای معنوی است.

رسول اکرم در رابطه با افزایش ایمان که اظهار محبت بیشتر را به دنبال خواهد داشت می‌فرماید: «كلما ازداد العبد ایمانا ازداد حبا للنساء» (مجلسی، همان، ج ۱۰۳، ص ۲۲۸) هر چه ایمان بنده زیاد شود، محبت [وی] به زن‌ها نیز زیاد می‌شود.

۲-۱-۳ دوستی و معرفت با اهل بیت علیهم السلام

اهل بیت علیهم السلام هم ثقل قرآن کریم هستند (عاملی، همان، ج ۲۷، ص ۱۸۹) و دوستی با ایشان همان مجالست با قرآن کریم است لذا علاوه بر اینکه معرفت و دوستی با اهل بیت به عنوان اجرزحمات رسوا اکرم صلوات الله علیه و آله است (شوری، ۲۳) همچنین راهگشای سبک زندگی و ارتباط زوجین با یکدیگر است به عنوان مثال وقتی حضرت فاطمه سلام الله علیها همسر خود را با الفاظ ابالحسن، امیرالمومنین خطاب می‌کند (حدیث کساء)، به زیبایی، محبت زن به همسر را نشان می‌دهد.

دوستی با اهل بیت علیهم السلام سرشار از این رفتارهای عاطفی است، امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «كل من اشد لنا حبا اشد للنساء حبا» (مجلسی، همان، ج ۱۰۳، ص ۲۲۷)؛ هر کس بیشتر دوستدار ما (خاندان

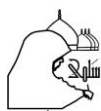
عصمت و طهارت) باشد، به زن ها (همسرش) نیز بیشتر دوستی می کند. بنابراین کسی که الگوی زندگی خود را راه و روش ائمه علیه السلام قرار دهد این خوی دوستی در او نیز رسوخ کرده و در ارتباطات خانوادگی بهترین روش جلب محبت و گفتگو را ایفا می کند. همچنین در یک رابطه دوستی خصلتهای دو طرف به یکدیگر سرایت می کند لذا در زندگی کسی ارزش دوستی و همنشینی دارد که اگر در زندگی رخنه ای پدید آمد آن را برطرف سازد (همان، ج ۴۴، ص ۱۳۹). دوستی و معرفت به اهل بیت علیهم السلام چاره ساز نوع رفتار زن و شوهر با یکدیگر است.

۲-۳ راهکارهای عملی - اخلاقی

علاوه بر پرورش بعد معنوی زن و شوهر، روشهایی عملی - اخلاقی نیز وجود دارد برای از بین بردن و کاهش موانع جلب محبت و علاقه در گفتگوی بین زن و شوهر، که در ذیل به آن اشاره می شود.

۱-۲-۳ عفو و گذشت

گذشت از خطاهای همسر، کینه تیزی و لجاجت، ویژه روح های حقیر و همت های پایین است. برعکس، آنان که نظر بلند و روح بزرگ دارند، پوزش ها را می پذیرند، از خطاهای دیگران چشم می پوشند و از حق شخصی خویش در می گذرند. عفو و گذشت و چشم پوشی و نادیده گرفتن لغزش های دیگران، دانه های جلب محبت است و دیگران را خوشبین، وفادار، و با محبت نگاه می دارد. امام علی علیه السلام فرمودند: «إِقبل أَعذار الناس تستمتع بإخائهم» (کلینی، همان، ج ۲، ص ۲۱۵)؛ عذر دیگران را بپذیر - و از خطای آنان در گذر - تا از برادری آنان بهره مند گردی. در خانواده که کانون انس و الفت است و براساس محبت بنا نهاده شده است، زن و شوهر باید از خطاها و بدی های یکدیگر گذشت کنند و آنها را نادیده بگیرند. تنها در این صورت است که می توانند در فضایی صمیمی و آکنده از محبت زندگی کنند.





برخی گمان می‌کنند عفو و گذشت نشانه ضعف است درحالی‌که اینطور نیست. شاهد مثال این مطلب سفارش خداوند به مسلمانان است که: «فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا» (بقره، ۱۰۹) قرآن دستور می‌دهد که در برابر تلاش‌های انحرافی و ویرانگر اهل کتاب، آنها را عفو کنند و گذشت نمایند. این دو تعبیر نشان می‌دهد که مسلمانان حتی در آن زمان که قوت و قدرت داشتند که عفو و گذشت نکنند و به مقابله با دشمنان بپردازند، ولی برای اینکه دشمن اگر قابل اصلاح است اصلاح شود، نخست دستور به عفو و گذشت می‌دهد، و به تعبیر دیگر در برابر دشمن هرگز نباید خشونت، نخستین برنامه باشد، بلکه اخلاق اسلامی ایجاب می‌کند که نخستین برنامه عفو و گذشت باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۰۱). وقتی نسبت به دشمن امید می‌رود که اصلاح شود لذا عفو و گذشت بر خشونت و مجازات مقدم می‌شود پس به طریق اولی، همسر سزاوارتر به عفو از سوی زوج یا زوجه است.

از سویی دیگر نه تنها زوجین باید راه عفو و گذشت را در پیش گیرند بلکه بایستی به شیوه ای نیکو، بدی همسر خود را دفع کنند (مومنون، ۹۶). محیط مقدس خانه با این روحیه تسلیم و گذشت و حق‌پذیری، زمینه پرورش و رشد و آرامش را بهتر فراهم می‌سازد.

۲-۲-۳ مدارا

مدارا کردن به این معنی است که ما در زندگی جمعی، برخی رفتارهای نابجای دیگران را تحمل کنیم و از آنها چشم‌پوشیم، برای مثال، اگر اخلاق یا رفتار همسر ایرادی دارد که باعث آزار ما می‌شود، آن را تحمل کنیم، اگر تلاش ما برای برطرف کردن آن عیب به جایی نرسید، همسرمان را با همان عیب بپذیریم و با آن کنار بیاییم. پذیرش همسر آن گونه که هست، با همه عیب‌ها و ایرادهایش، دوستی و محبت طرف مقابل را بر می‌انگیزد و فضای خانه را پر از صمیمیت می‌سازد. (اکرامی فرد، همان، ص ۸۸)

امام علی علیه السلام در توصیه به فرزند خود، محمد بن حنفیه، درباره مدارا با همسر می فرماید: «فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٌ فَدَارِهَا عَلِيٌّ كُلُّ حَالٍ وَ أَحْسَنُ الصَّحْبَةِ لَهَا لِيَصْفُو عَيْشَكَ.» (صدوق، همان، ج ۳، ص ۵۵۶)؛ همانا زن، گلی خوش بوست نه یک قهرمان؛ به همین دلیل، در همه حال با او مدارا نما و با او نیکو مصاحبت کن تا زندگی ات همراه با خوشی باشد.

۳-۲-۳ سپاسگزاری

یکی از راه‌های جلب محبت و عاطفه، تشکر و قدردانی است. و ایجاد انگیزه برای سپاسگزاری را می‌توان، معنویت و دیدن لحظه به لحظه خداوند در زندگی دانست. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «خَيْرُ نِسَاءٍ كَمِ التِّيْ اَنْ اَعْطِيَتْ شُكْرًا وَ اَنْ مَنَعَتْ رِضِيَّةً» (مجلسی، همان، ج ۱۰۳، ص ۲۳۹)؛ بهترین زنان شما آن زنی است که چون به او چیزی داده شود، سپاسگزاری کند و اگر به او چیزی داده نشود راضی باشد.



تنها با گفتن جملات ساده مانند «عزیزم متشکرم به حرفهایم گوش میدی» و یا دادن پیامهای عاشقانه برای تشکر از همراهی همسر در زمینه‌های مختلف، می‌توان به راحتی در دل همسر نفوذ کرد و با تشکر از او از خدای خود سپاسگزاری کرد. در روز قیامت، خداوند متعال به بعضی از بندگان می‌گوید: «آیا شکر فلان کس را به جای آوردی؟ عرض می‌کند: پروردگارا من شکر تو را به جای آوردم، خداوند می‌فرماید: چون شکر او را به جا نیاوردی شکر مرا هم به جا نیاورده‌ای. سپس افزود: أَشْكُرُّكُمْ لِلَّهِ أَشْكُرُّكُمْ لِلنَّاسِ.» (کلینی، همان، ج ۲، ص ۹۹)

۳-۲-۴ مهارت شنودگی

زوج‌ها باید شنونده خوبی برای همدیگر باشند. زن و شوهر باید سعی کنند، اگر طرف مقابل حتی با عصبانیت مشکل خود را ابراز می‌کند، او را آرام کرده و شنونده خوبی برای خواسته‌ها و مشکلات او باشد.



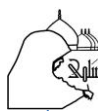
باید صحبت‌های او را گوش کرده و احساساتش را درک و از زاویه دید آن ببیند و خود را جای او بگذارد. در واقع با این روش به طرف مقابل نشان می‌دهند که متوجه منظور او شده که عصبانیت او از چه چیزی است. در واقع با این کار به طرف مقابل این پیام را رسانده‌است که من، تو را درک کرده‌ام، بعد نقطه نظرات خود را مطرح می‌کند؛ زیرا با این روش شفاف‌تر منظورشان، رابه یکدیگر انتقال داده و متوجه آن نسبت به موضوع می‌گردند. این روش باعث می‌شود که خیلی از مسایل روشن شود و جلوی اختلاف نظرها را گرفت. احساسات خود را بطور مناسب بیان کند و مثلاً بجای آنکه بگوید این کارت مرا عصبانی می‌کند، بگوید « من وقتی تحت فشار قرار بگیرم » طرفین باید تمرین کنند که با دقت و علاقه به صحبت‌های طرف مقابل گوش دهند. (دادگران، همان، ص ۷۶) امیر المومنین علی (علیه السلام) می‌فرمایند: « من احسن الاستماع تعجل الانتفاع » (محمدی ری شهری، ۱۴۱۶ ه ق، ج ۲، ص ۱۳۶۲)؛ هر که خوب گوش کند زود فایده می‌برد.

۵-۲-۳ خلوت با خود

زن و شوهر قبل از اینکه شروع به سخنان بحث برانگیز کنند بهتر است ابتدا با خودشان خلوت کنند. و زمانی که حس می‌کنند که اگر بحثی را شروع کنند، باعث جدال آنها می‌شود، باید از هم فاصله گرفته و نفسی تازه کنند و یا در اتاق و یا حیاط قدم بزنند. احساسات و افکار خود را در ذهن خود مرور کرده و یا حتی آنها را به کاغذ بیاورند. باید توجه کنند که با جدال و جر و بحث هیچ وقت مشکلی حل نمی‌شود، زیرا در این مواقع افراد بیشتر تحت هیجانات و احساساتشان قرار گرفته و نمی‌توانند افکار خود را متمرکز کنند. (فتحی، همان، ص ۱۲۳)

۶-۲-۳ رضایت از یکدیگر

زن و شوهر بایستی هنگام پیشامد جدل و ناراحتی، پیش قدم شده و رضایت همدیگر را جلب نمایند. این کار هم پاداش دنیایی دارد چرا که سبب از بین رفتن سریع کدورت شده و اجر اخروی چون هیچ شفیعی برای زن نزد پروردگارش نجات بخش تر از رضایت شوهرش نیست. پیامبر اکرم صلوات الله علیه و آله می فرمایند: «لَا شَفِيعَ لِلْمَرْأَةِ أَنْجَحَ عِنْدَ رَبِّهَا مِنْ رِضَا زَوْجِهَا» (عاملی، همان، ج ۲۰، ص ۲۲۲)؛ هیچ شفیعی برای زن نزد پروردگارش نجات بخش تر از رضایت شوهرش نیست. همچنین در جای دیگر می فرمایند: «طوبی لامرأة رضى عنها زوجها» (همان، ج ۱۴، ص ۱۵۵)؛ خوشا به حال زنی که شوهرش از او راضی باشد



نرم بودن، خضوع، احترام و صداقت زوجین در محیط زندگانی مشترک، در برابر یکدیگر، اگر از روی شناخت و اختیار و عمل به وظیفه همسرداری باشد خصلت پسندیده و کار ارزشمندی است. رعایت و پایبندی به گزاره های دینی اشاره شده در نحوه برخورد و گفتگو با زوجین به ایجاد جوی دل انگیز در خانواده کمک می کند و تاثیر بسزایی خواهد داشت. (محسنیان، همان، ص ۷۹)

نتیجه

دین اسلام دین کاملی است که از هیچ یک از ابعاد زندگی انسان غافل نبوده و برای تک تک رفتارها و ارتباطات او در تمام زمینه ها چه عرصه فردی، چه اجتماعی و چه خانوادگی برنامه و دستورالعملی را ارائه داده است. در روابط خانوادگی بالاخص رابطه بین زوجین از مهارت های لازم برای ایجاد محبت، راهکارهایی را بیان داشته که از مهمترین این مهارتها گفتگوی زن و شوهر است.

گزاره های دینی، با بیان آموزه های لازم در جهت تنظیم، بهبود و تقویت مهارت گفتگو به زوجین کمک کرده تا با بیان کلمات دلنشین به همسر خود

جلب محبت نماید. با احترام و تکریم یکدیگر علاوه بر حفظ حریم و کرامت انسانی موجب دلگرمی و ایجاد جوی عاشقانه شوند. و ایمان به خدا و دوستی با اهل بیت علیهم السلام کارسازترین نقطه قوت در ایجاد گفتگوی سازنده و محبت آمیز زوجین خواهد بود.

همینطور خشونت و جدل، ویرانگر هر رابطه ای است و اگر زن و شوهر قصد تذکر به یکدیگر دارند باید اصول کلام منتقدانه سازنده را آموخته باشند. گزاره های دینی دروغ را چون آتشی دانسته و خلط آن با کلام بین زوجین سبب سوزندان محبت و اعتماد ایشان می شود. پس گفتگویی سازنده است که عاری از آفاتی چون دروغ، جدال، بی احترامی و ... باشد و همراه با کلمات دلنشین، لین و آرامش بخش باشد. همچنین در هر گفتگویی یک طرف گوینده و طرف دیگر شنونده است و برای ایجاد انگیزه در گوینده کلام بایستی شنونده خوبی بود که خود نیازمند آگاهی به مهارت خوب گوش دادن است.

منابع

منابع فارسی

- ۱-اکرامی فر، محمود رضا،(۱۳۸۲). اصول ارتباط جمعی، مشهد، نشر ایوار
- ۲-دادگران، سید محمد،(۱۳۷۴). مبانی ارتباطات جمعی، بی جا، نشر فیروزه
- ۳-صفایی، حسن؛ امامی، اسدالله،(۱۳۷۱). حقوق خانواده، تهران، دانشگاه تهران
- ۴-طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴). تفسیر المیزان. ترجمه جواد مصلح، قم، انتشارات اسلامی.
- ۵-فتحی، مهدی، (۱۳۸۴). مهارت ارتباط مؤثر، مشهد، نشر شهیدی پور
- ۶-فرهنگی، علی اکبر،(۱۳۷۴). ارتباطات انسانی، تهران، نشر رسا
- ۷-قرائتی، محسن،(۱۳۸۳). تفسیر نور. تهران، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن
- ۸-قراچه داغی، مهدی، (۱۳۸۱). مهارت های گفتگو، تهران، نشر پیک بهار
- ۹-ماهوان، سعید،(۱۳۸۵). آشنایی با مهارت های زندگی، مشهد، نشر ماهوان



- ۱۰- محسنیان راد، مهدی، (۱۳۸۷). ارتباط شناسی، تهران، نشر سروش
- ۱۱- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ۱۲- مکارم شیرازی، ناصر (بی تا). استفتاءات جدید. قم، مدرسه امام علی ابن ابیطالب.

منابع عربی

- ۱- ابن منظور (۱۴۰۸ ه ق). لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۲- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶). غرر الحکم و درر الکلم. قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۳- جبلی عاملی (شهیدثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ ه ق). مسالک الافهام إلى تنقیح شرائع الاسلام. قم، مؤسسه المعارف السالمیه.
- ۴- حلی، ابن ادریس (۱۴۱۰ ه ق). السرائر، قم، موسسه النشر الاسلامی.
- ۵- حرّانی، حسن بن شعبه (۱۴۰۴ ق). تحف العقول، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
- ۶- طاوس، سید علی (۱۴۱۳). الیقین، قم، مؤسسه دارالکتاب .
- ۷- طبرسی، حسن (۱۴۱۲). مکارم الاخلاق، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- ۸- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۳۸۸). المبسوط فی فقه الامامیه تحقیق محمدباقر بهبودی، تهران، المکتبه المرتضویه الحیاء و الآثار الجعفریه.
- ۹- عاملی، محمد بن الحسن حر (بی تا). وسایل الشیعہ، بیروت، دار حیاء التراث العربی.
- ۱۰- قمی، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه (۱۴۱۳ ق). من لا یحضره الفقیه، قم، جامعه مدرسین.



۱۱- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳). کافی، تحقیق علی اکبر غفاری. تهران، دار الکتب اسلامیة.

۱۲- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء.

۱۳- نوری، حسین (۱۴۰۸هـ ق). مستدرک الوسائل و مُسْتَنْبَطُ الْمَسَائِل. قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام.

۱۴- محمدی ری شهری، محمد (۱۴۱۶هـ ق). میزان الحکمه، قم، دارالحديث.

۱۵- نراقی، محمد (بی تا). جامع السعادات، بیروت، مؤسسه الاعلمی

للمطبوعات.



مقالات

۱- شاکری گلپایگانی، طوبی و دیگران (۱۳۹۳). بررسی فقهی - حقوقی گستره ی نشوز زوجین و شیوه ی مواجهه با آن، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، ش ۶۴.

فصلنامه علمی

شماره دهم / پاییز ۱۳۹۸